امتیاز

یک‌شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۰
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ ● ۱۷ اکتبر ۲۰۲۱
شماره ۳۳۰۰ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

محمدرضا مصباح مطرح کرد؛

«پوست» مخاطبان را به سینما آورد

محمدرضا مصباح تهیه‌کننده فیلم سینمایی «پوست» به کارگردانی بهمن و بهرام ارک که این روزها روی پرده سینماست، درباره این فیلم گفت: با توجه به اینکه این فیلم به تازگی وارد چرخه اکران شده و موضوع و فضای آن در سینمای ایران کمتر تجربه شده، کمی سینماداران در ارائه سانس احتیاط می‌کنند با این حال با ما همکاری خوبی داشته‌اند، در این دو روزی که از اکران فیلم گذشته، استقبال خوبی از آن شده است و به نظرم گیشه سینماها کمی تکان خورد. ما در این دو روز فروشی ۵۵ میلیونی را تجربه کردیم؛ این به این معناست که بالغ بر دو هزار نفر به تماشای «پوست» نشسته‌اند و ما از این روند راضی هستیم. فکر می‌کنم با فضایی که ایجاد می‌شود و با برنامه‌ریزی که برای تبلیغات داریم، روند رو به رشدی در فروش خواهیم داشت.

وی با اشاره به برنامه‌ریزی برای تبلیغات بیان کرد: سینما اگر حمایت و کمک رسانه ملی را نداشته باشد آسیب می‌بیند، به ویژه فیلم‌هایی مثل «پوست» که محصول سینمای مستقل هستند تکیه‌گاه چنین فیلم‌هایی فضای آرتیستی و هنری است و خیلی بر اسامی بازیگران مطرح و سلبریتی ها تاکید ندارند. این نوع فیلم‌ها نیاز به حمایت بیشتری دارند ما هم گپ‌وگفتی با دوستان صدا و سیما داشتیم که به نظر می‌رسد برای «پوست» مقدار محدودی تیزر در نظر گرفته‌اند البته هنوز به قرارداد نرسیده‌ایم با این حال امیدواریم با محبتی که دوستان صدا و سیما دارند و تعاملاتی که برقرار می‌شود، شاهد کمک تلویزیون باشیم تا فیلم‌های این چنینی بیشتر دیده شوند و مردم ترغیب شوند در این شرایط سختی که برای سینما پیش آمده، به سالن‌ها بروند چون این موضوع می‌تواند به اقتصاد سینما کمک کند. امیدواریم با مذاکراتی که انجام می‌دهیم در چند روز آینده اتفاقات خوب رخ دهد.

این تهیه‌کننده با اشاره به تبلیغات شهری مطرح کرد: ما از چندروز پیش شروع به تبلیغات شهری کردیم، به همین ترتیب چند بیلبورد در سطح شهر تهران داشته‌ایم که به مرور بیشتر خواهد شد ضمن اینکه گروه تولید محتوای ما در فضای مجازی هم فعال هستند تا فیلم را بیشتر به مردم معرفی کنیم. به هر حال نه تنها صاحبان و مالکان یک فیلم بلکه همه باید تلاش کنند تا ترس مردم از کرونا رفع و در عین حال پروتکل‌های بهداشتی رعایت شود. با توجه به جو حاکم بر کشور و تغییر رنگ‌های شهرها، به نظرم شرایط سالن‌های سینماها هم به گونه‌ای است که موارد بهداشتی در آنها رعایت می‌شود و فضا امن است.

مصباح توضیح داد: ما ابتدا در نظر داشتیم «پوست» را بعد از محرم به نمایش بگذاریم اما بر اساس برنامه‌ریزی‌هایی که داشتیم تصمیمات عوض شد، البته موانعی هم داشتیم، مثلا فیلم بخش‌هایی دارد که شاید متناسب با آن ایام نبود و باید بیشتر احتیاط می‌کردیم ضمن اینکه برنامه‌ریزی خودمان هم ایجاب می‌کرد، کمی اکران را به تعویق بیندازیم. زمان فعلی زمان مناسب‌تری برای نمایش «پوست» بود ولی به طور کلی شرایط اکران سینما، فضای درخشانی نیست با این حال امیدواریم این فیلم به همراه فیلم‌هایی که در آینده روی پرده سینما می‌آیند مثل فیلم «قهرمان» و... بتوانند رونق را به سینما بازگردانند.

این تهیه‌کننده درباره اینکه چرا حق پخش «پوست» را مثل «یدو» به تلویزیون نفروختند؟ گفت: فضای این دو فیلم از نظر محتوایی و ژانر با هم متفاوت بود، طبیعتاً تلویزیون هم آن هزینه‌ای را که برای «یدو» کرد، برای «پوست» نخواهد کرد. در آن مقطع «یدو» به خاطر شرایط کرونایی قید اکران سینمایی را زد، شرایط به گونه‌ای بود که تلویزیون هم تعامل خوبی با ما برقرار و به این فیلم کمک کرد به همین ترتیب فیلم قبل از سینما از تلویزیون پخش شد. درباره «پوست» اما بعید می‌دانیم آن فضا از سوی صدا و سیما ایجاد شود اما ما آمادگی همراهی و همکاری این چنینی را با تلویزیون داریم اما فکر نمی‌کنم خود صدا و سیما این بودجه و این امکان را داشته باشد که با فیلم‌هایی مانند «پوست» با آن عدد و رقم «یدو» برخورد کند، طبیعتاً رقم پیشنهادی کمتر خواهد بود ضمن اینکه اگر «پوست» در سینما دیده شود بسیار جذاب‌تر خواهد بود. به کسانی که منتظر هستند «پوست» وارد چرخه اکران آنلاین شوند، می‌گویم که فرصت تماشای فیلم در سینما را از دست ندهند. تماشای «پوست» در سینما متفاوت از آن چیزی است که در مانیتورهای کوچک می‌بینید.

رضا بهبودی: اعتراف می کنم هنوز «جن‌گیر» را ندیده‌ام

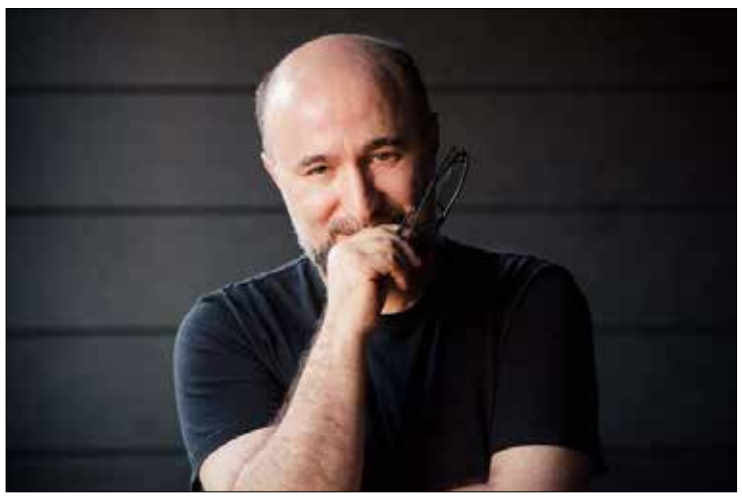

رضا بهبودی بازیگر فیلم سینمایی «روایت ناپدید شدن مریم» به کارگردانی محمدرضا لطفی و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته که این روزها در صفحه «هنروتجربه» در پلتفرم «هاشور» به صورت آنلاین اکران شده است، با اشاره به اینکه در ابتدا پیشنهاد بازی در این فیلم را نپذیرفته است، بیان کرد: در ابتدا فیلمنامه برایم مبهم و این ابهام قطعا روی کاغذ بیشتر بود و متوجه نمی‌شدم که قرار است کار چگونه سروشکل نهایی به خود بگیرد، همین موضوع باعث شد در ابتدا پیشنهاد بازی را رد کنم.

وی با بیان اینکه تاکنون در ۲ اثر با محمدرضا لطفی کارگردان همکاری داشته است، مطرح کرد: از نظر من ایشان فیلمسازی است که در نهایت جهان اثر را در ذهن خود دارد و در حد مقدورات و به گونه‌ای که بشود به کاغذ منتقل کرد، آن را به نگارش در می‌آورد این موضوع در همکاری اول ما یعنی در پروژه «روایت ناپدید شدن مریم» برای من ناشناخته‌تر بود اما در پروژه «تعارض» که دومین همکاری ما بود، من به ایشان اعتماد داشتم و می‌دانستم نباید به فیلمنامه‌های ایشان مانند دیگر فیلمنامه‌ها نگاه کنم.

بازیگر «روایت ناپدید شدن مریم» ادامه داد: باید بگویم من برای همکاری با محمدرضا لطفی تلاش کردم به جهان ذهنی ایشان نزدیک‌تر شوم همچنین به این موضوع واقف بودم که با کارگردانی سروکار دارم که می‌داند چه می‌خواهد و برایش روشن است که فیلم در نهایت چگونه خواهد شد و قرار است چه تأثیری بر مخاطب داشته باشد. از سوی دیگر گفتگوی ما با یکدیگر درباره این فیلم سینمایی بسیار راه‌گشا بود و در ایفای نقش «مرتضی» به من کمک کرد.

بهبودی با اشاره به اینکه حضور در این فیلم سینمایی تجربه بسیار خوبی را برایش رقم زده است، گفت: من برخلاف آنکه بر اساس علاقه‌ام مولفه‌های درام ارسطویی را پیگیری کرده و می‌کنم، مشتاق تجربه‌های نوین در عرصه نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌ها هستم، چراکه به یک کشف و شهودی می‌رسم.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با بیان اینکه زمانی که از سمت خود به داستان «روایت ناپدید شدن مریم» نگاه می‌کرده، ماجرا برایش خوف‌انگیز بوده است، مطرح کرد: جالب است بدانید که من اساسا فیلم‌های ژانر وحشت را نگاه نمی‌کنم و ترجیح من از میان ژانرهای مختلف، ژانر وحشت نیست و باید اعتراف کنم هنوز «جن‌گیر» را ندیده‌ام! اما زمانی که نقشی را می‌پذیرم از منظر نقش به رخدادها نگاه می‌کنم و در حین ایفای نقش با توجه به نیازهاو مختصات نقش، واکنش عاطفی و احساسی نشان می دهم. حتما واکنش های ما، یعنی بازیگر و نقش، از هم متفاوت است. این‌ها چالش‌های جذابی برای من در عرصه ساختار و روایت و بازیگری در این فیلم سینمایی بود.

بازیگر «سرو زیر آب» با بیان اینکه در سینمای ایران چیزی به اسم ژانر وجود ندارد، توضیح داد: حتی برای آن چیزی که به عنوان سینمای اجتماعی می‌شناسیم، این پرسش قابل طرح است که آیا واقعا سینمای اجتماعی است یا نه؟ آیا هر فیلمی که سروشکل اجتماع را دارد، مولفه‌های ژانر اجتماعی را رعایت می‌کند؟ اینگونه نیست بلکه هر ژانری مولفه‌های خاص خود را دارد که کمتر در سینمای ایران مشاهده می‌شود.

بهبودی افزود: از آنجاکه ما قصد داریم همه چیز را ایرانیزه کنیم، ژانرها را هم به دلخواه خود بالا و پایین کرده‌ایم در این زمینه برخی هم معتقدند این خلاقیت است اما اینگونه نیست و اگر قرار بود تلفیقی صورت بگیرد که به یک رخداد تازه بی انجامد در سینمای ما رخ دادنی نیست چراکه ما دانش لازم را نداریم و اصطلاحا سیستم‌پذیر نیستیم.

به گفته وی، وضعیت به گونه‌ای است که نه تنها ژانر رعایت نمی‌شود بلکه اعتقادی به آن وجود ندارد و یا اصلا شناخته نشده است همچنین کتاب‌های تالیف شده در این زمینه متاخر است و شاید در این ۱۰ سال اخیر وارد بازار نشر شده‌اند.

بازیگر «گورکن» با بیان اینکه نداشتن ژانر را نمی‌توان به مولفه‌های خاص ربط داد، یادآور شد: اینکه بگوییم مخاطب عامل این اتفاق است، درست نیست چراکه مخاطب مشتاقانه فیلم‌های خارجی در ژانر وحشت را پیگیری می‌کند، حتی از نمونه‌های داخلی مانند «روایت ناپدید شدن مریم» نیز استقبال کرده است پس مشکل همان سیستم‌پذیر نبودن ماست.

بهبودی ادامه داد: ژانر وحشت با مولفه‌های زیست شهری و مناسبات زندگی انسان غربی و یا کسی که درگیر امور جامعه غربی است، عجین شده است و اگر قرار باشد به جامعه ما برگردد، باید ببینیم اینجا چه چیزهایی می‌تواند یقه تماشاگر را بگیرد به عنوان مثال سینمای ژاپن توانست نوعی از سینمای وحشت را با مولفه‌های فرهنگی، قصه‌ها و افسانه‌ها که ریشه در نمایش‌های سنتی‌شان دارد، خلق کند در حقیقت ما هم باید ببینیم چه داستان‌هایی داریم که باتوجه به مولفه‌های ژانر آن را پیاده و به سینمای وحشت از جنس ایرانی برسیم.

وی تاکید کرد: اگر افسانه‌ها و داستان‌هایمان را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که به حق از آن‌ها استفاده نشده است و اساسا سینمای ما به ژانر بال و پر نداده است که اگر این اتفاق می‌افتاد ما سینمای وحشت و... داشتیم و چون نداریم مخاطبان ترجیح می‌دهند به سراغ ملودرام‌های اجتماعی بروند.

بازیگر «اکسیدان» در پاسخ به این پرسش که آیا اگر باز هم پیشنهاد بازی در فیلم‌هایی با ژانر وحشت را داشته باشد قبول می‌کند یا نه، گفت: ۲ سال پیش پیشنهاد بازی در فیلمی را داشتم که قرار بود در ژانر وحشت تولید شود اما نپذیرفتم چراکه یا خود متوجه فیلمنامه نشدم و یا اینکه ترجیح دادم شب آرام‌تر بخوابم!

بهبودی با اشاره به اینکه برخوردهای مخاطبان با این فیلم سینمایی در زمان پخش جالب بود، مطرح کرد: مهمترین ویژگی این فیلم این است که خود را ترسناک نشان نمی‌دهد اما کم کم جای خود را در روان تماشاگر باز می‌کند و این توفیق خاصی‌ست که با توجه به مولفه‌های فرهنگی حاصل شده است.

وی ادامه داد: این هوشمندی را محمدرضا لطفی کارگردان اثر داشته است که در ایده‌پردازی، نوشتن، اجرا و... به اثری برسد که برای اینجا باشد.

این بازیگر سینما با بیان اینکه «روایت ناپدید شدن مریم» فیلمی نیست که مخاطبان آن را فراموش کنند و حرف برای گفتن دارد، اظهار کرد: بازیگوشی ای که در روایت این فیلم سینمایی رخ می‌دهد و تلاشی که برای بهم ریختن ذهن مخاطب می‌کند از جمله مواردی است که باعث می‌شود این فیلم سینمایی را به مخاطبان پیشنهاد کنم. همچنین «روایت ناپدید شدن مریم» بدین دلیل فیلم مناسب و سرگرم‌کننده‌ای است که پرسش‌های خوبی را برای مخاطب جستجوگری که علاقه‌مند است فراتر از قصه‌های مرسوم را ببیند، مطرح می‌کند.

بهبودی در پایان خاطرنشان کرد: درست است که ما مانند یونان باستان از زمان‌های گذشته نمایشنامه‌نویس نداشتیم اما از دیرباز زبانی غنی داریم که مفاهیم والا و مسایل بزرگ بشری را در خود جای داده و پُر از داستان‌ها، افسانه‌ها، حکایات، قصص و... است، ای کاش شرایط بیرونی به گونه ای فراهم می‌شد تا همه افرادی که می‌توانستند و یا علاقه‌مند بودند، این منابع غنی را تبدیل به درام کنند تا هم به مخاطب داخلی آثار خوبی ارایه و هم در سطح جهانی این فرهنگ نشان داده شود چراکه افراد باسوادی هستند که سوژه و حتی فیلمنامه‌هایی دارند اما به دلایل مختلف از جمله شرایط تولید انزوا گزیده و فعالیت نمی‌کنند، به امید آن روز که این همه حرفی که برای گفتن وجود دارد، زده شود و به سمع و نظر مخاطبان داخلی و خارجی برسد.

بهمن عباس‌پور مطرح کرد؛

«هفتادوشش دوصفر» چگونه شکل گرفت؟

بهمن عباس‌پور طراح و کارگردان پرفورمنس «هفتاد و شش دوصفر» که در گالری پاییز خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود درباره شکل‌گیری این اثر گفت: این پرفورمنس در یک آکواریوم اتفاق می‌افتد که در آن من به عنوان اجراگر و یک سمبل اسکلت‌مانند که از چیزهای مختلفی چون استخوان حیوانات، گونی، برگ درخت نخل، بطری آب‌معدنی و ... تشکیل شده روبروی هم نشستیم و در طول اجرا چالش‌هایی بین‌مان شکل می‌گیرد. ایده شکل‌گیری این پرفورمنس با توجه به اقتضای این روزهای تئاتر و در شرایطی شکل گرفت که در طول ۲ سال گذشته شاهد وضعیت بسیار نامناسب هنرمندان تئاتر بودم.

وی ادامه داد: در شرایطی که جامعه درگیر بیماری کرونا است شاهد بودیم که گروه‌های زیادی به امید اجرای تئاتر دور هم جمع شدند اما بحران کرونا یا باعث لغو اجراها شد و یا کارها در همان مرحله تمرین متوقف شدند. این مساله باعث شد به این نتیجه برسم که رفتن به سمت تئاتر امکان‌پذیر نیست و در صورتی که بخواهم گروهی را برای اجرا دعوت به همکاری کنم اگر اجرای نمایش متوقف شود و یا اعضای گروه به کرونا مبتلا شوند، تکلیف این همه وقت و انرژی خودم و دوستانم چه خواهد شد از این رو بروز کرونا در شکل‌گیری این پرفورمنس بسیار مهم بود.

این نویسنده و کارگران تئاتر درباره ایده اصلی این پرفورمنس ۴ ساعته توضیح داد: در طول ۲ سال گذشته بسیاری از هموطنانمان عزیزانشان را از دست دادند و جامعه هنر نیز در سوگ از دست دادن هنرمندان و همکاران بسیاری نشسته است این اتفاقات بسیار دردناک است از این رو این اثر نمایشی در واکنش به وضعیتی که این روزها خیلی از ما با آن روبرو هستیم تنهایی انسان امروز را به تصویر می‌کشد. در واقع مخاطب در این پرفورمنس با آکواریوم تنهایی انسان روبرو است که در آن با خودش، خاطراتش و تنهایی‌هایش دست و پنجه نرم می‌کند. انسان عملاً یک موجود اجتماعی است اما انفرادی بودنش هم هیچ گاه نمی‌تواند رهایش کند و شرایط پیش آمده به واسطه بیماری کرونا نیز به میل به تنها بودن او افزوده است از این رو تصمیم گرفتم با اجرای یک کار تک نفره این تنهایی را به تصویر بکشم.

عباس‌پور یادآور شد: به نظر می‌رسد همه ما با وجودی که در اجتماع و خانواده حضور داریم اما در عین حال خودمان را در یک آکواریوم شخصی استتار کرده‌ایم و با خود، فلسفه وجودی مان، خاطرات و اندیشه‌هایمان در چالش هستیم. چالش انسان با خودش تبدیل به یک بازی دوار شده به شکلی که انسان مدام به تابوها و خاطرات و تجربیات گذشته‌اش نزدیک می‌شود، با آنها زندگی می‌کند و بعد دوباره از آنها فاصله می‌گیرد. این رفت و برگشت خاطره‌ها اساس شکل‌گیری پرفورمنس «هفتادوشش دو صفر» است. وی با اشاره به دلیل انتخاب آکواریوم به عنوان مکان رویداد عنوان کرد: انتخاب آکواریوم از این رو صورت گرفت که بتوانم حرکت سیال ذهن را با آب بهتر به نمایش بگذارم و فضای رویایی تری را به اثر ببخشم. در فضای آب این مساله برای انسان تداعی می‌شود که انگار همچنان در رحم مادرش است و در این فضا خاطراتش را مرور می‌کند. در این پرفورمنس شخصیت اصلی چالش‌هایی را با اسکلت که به مثابه خاطرات گذشته و تنهایی‌اش است، دارد؛ گاهی او را در آغوش می‌کشد و گاهی دست به خفه کردنش می‌زند و گاهی این اسکلت است که او را به زیر آب می‌کشد و خفه می‌کند که این روند مدام در حال تغییر و تکرار شدن است. انسان‌ها در ذهنشان رنج‌ها و خاطراتی را تحمل می‌کنند که آزارشان می‌دهد. راهی برای خلاصی از این درد و رنج‌ها نیست و مجبور هستند که آنها را تحمل کنند بنابراین یکی از دلائلی که باعث شد این پرفورمنس ۴ ساعته باشد همین تاکید بر تداعی و رفت و برگشت خاطرات انسان‌ها در طول زمان است. نویسنده نمایش «یک دقیقه و سیزده ثانیه» با اشاره به اینکه در این پرفورمنس قصد داشته قضاوت مخاطب را به چالش بکشد، گفت: در این اثر نمایشی هر کدام از مخاطبان از یک زاویه به کار نگاه می‌کنند و هرکدام برداشت خود را از اتفاقاتی که روایت می‌شود، دارند. برای من مهم بود که مخاطب را وارد یک زندگی شخصی کنم تا از زاویه دید خودش آن شخص را قضاوت کند در حالی که ممکن است واقعیت چیز دیگری باشد که این مساله را بسیار در زندگی خودمان شاهد هستیم.

وی درباره طراحی فضا و چگونگی آماده شدن برای اجرای این پرفورمنس بیان کرد: برای اجرای این کار نیاز به تمرین‌های سخت و فشرده و نفس‌گیری مناسب و طولانی مدتی داشتم از این رو مدت زیادی را در رودخانه جاجرود به تمرین پرداختم. نوید شکروی طراح صحنه و نور نمایش علاوه بر طراحی آکواریوم، در فضای گالری نیز چیدمانی از سنگ‌های معلق را نیز طراحی کرده است که نشان دهنده زمان سکونی است که انگار منفجر شده. اصولاً این پرفورمنس در بی زمانی و بی مکانی روایت می‌شود. همچنین برای درک بهتر مخاطب و دیدن زوایایی که ممکن است از دیدش پنهان بماند نیز از ویدئو آرت استفاده کرده‌ایم که قبل از ورودش به گالری با آن مواجه می‌شود. وی درباره انتخاب این نام برای پرفورمنس توضیح داد: ۷۶۰۰ کدی است که بین خلبان و برج مراقبت ردوبدل می‌شود و زمانی خلبان این کد را اعلام می‌کند که دیگر هیچ سیستم ارتباطی با برج مراقبت ندارد از این رو تنها راهی که برای نجات هواپیما وجود دارد استفاده از سیستم‌های بدوی و اولیه مثل اطلاع به دیگر هواپیماها برای خارج شدن از مسیر هواپیمای مذکور و یا روشن کردن چراغ‌های فرودگاه برای دیده شدن توسط خلبان است. در این وضعیت هیچ کاری از دست کسی ساخته نیست و تنها خود خلبان است که باید تصمیم بگیرد و تلاش کند که هواپیما را سالم به زمین بنشاند. به همین دلیل برای تاکید بر تنهایی که انسان امروز با آن روبرو است از این کد استفاده کردم.

وی در پایان صحبت‌هایش گفت: فشار اقتصادی و تامین هزینه‌های اجرا روی بچه‌هایی که کار پرفورمنس و کانسپچوال آرت می‌کنند بسیار بیشتر از بقیه است چون متولی این نوع کارها مشخص نیست و اسپانسرها هم به دنبال برداشت مالی هستند تا حمایت با این وجود گروهی که من را در اجرای این پرفورمنس همراهی کردند بدون چشم‌داشت مالی در کار حضور داشتند و همگی دلی جلو آمدند و بدون توقع مالی با من همراه بودند که از آنها سپاسگزارم.

یک فنجان چای داغ

مروری بر یک فیلم؛

فلسفه «مرد آزاد»؛ آیا ما چند خط کُد در یک شبیه‌سازی عظیم هستیم؟

تاکنون شده با خود گمان کنید شاید فقط شخصیتی در یک شبیه‌سازی پیچیده باشید؟ فکرش را هم به‌راحتی پس می‌زنید، چون آدمی واقعی در واقعیتی ملموس هستید و زندگی واقعی دارید؛ اما آیا مطمئنید؟ احتمال ندارد که بدن شما و دنیای اطراف‌تان چیزی جز توهم نباشد؟

این همان معمایی است که گای (مرد)، با بازی رایان رینولدز، در فیلم «مرد آزاد» خود را در میانش می‌یابد. هرچند در این مورد او حقیقتاً یک NPC یا شخصیت غیرقابل بازی در یک بازی کامپیوتری جهانِ باز به نام شهر آزاد است. او شخصیتی در یک شبیه‌سازی است و آگاه شدن از این موضوع زندگ اش را برای همیشه تغییر می‌دهد.

برای بسیاری از ما پیش آمده که مثل گای با خود فکر کنیم شاید ما هم فقط شخصیتی کامپیوتری در یک بازی باشیم. چنین فرضیه بدبینانه‌ای را اولین بار فیلسوف فرانسوی رنه دکارت در قرن ۱۷ مطرح کرد. البته واضح است که او خیال نمی‌کرد یک شخصیت غیرقابل بازی باشد بلکه گمان می‌برد شاید شیطانی اهریمنی او را گول زده تا خیال کند دنیای اطرافش واقعی است درحالی‌که حقیقت چیز دیگری است؛ اما شیاطین اهریمنی این روزها دیگر از مد افتاده‌اند. در فلسفه قرن بیستم، گزینه محبوب دیگر این بود که شاید ما مغزهایی در مخازنی هستیم متصل به الکترود و دانشمندان شرور علوم اعصاب با تکانه‌های الکتریکی تجربیات‌مان را به خوردمان می‌دهند. پایه و اساس فیلم «ماتریکس» هم کمابیش همین بود؛ اما حالا دیگر مغز درون مخزن هم قدیمی شده است. فلسفه معاصر عوض این‌ها از ما می‌خواهد تصور کنیم در شبیه‌سازی کامپیوتری زندگی می‌کنیم و ذهن‌مان چیزی جز یک برابرساز نیست که با کدهای کامپیوتری مدیریت می‌شود. بسیاری از فلاسفه و دانشمندان این فرضیه را جدی گرفته‌اند و حتی بعضی مدعی‌اند نه‌تنها فرضیه‌ای ممکن است که حتی احتمال حقیقت داشتنش هم بالاست. پس این سوال که آیا ما هم در شبیه‌سازی مشابه گای هستیم یا خیر، پرسشی صادقانه است که ارزش فکر کردن دارد.

آیا از اراده‌ای آزاد برخورداریم؟

خب، حالا اگر ما هم مثل گای در شبیه‌سازی کامپیوتری زندگی می‌کنیم، پس اراده آزادمان چه می‌شود؟

در فیلم، گای قطعاً حس می‌کند اراده‌ای آزاد دارد اما معترف است که افکار و رفتارهایش از برنامه‌نویسی‌اش نشأت گرفته‌اند و قطعاً به نظر می‌رسد همین‌طور باشد. اگر ذهن ما چیزی نیست جز برنامه کامپیوتری که جایی روی سروری اجرا می‌شود، سخت است بفهمیم چطور کنترلی واقعی روی افکار و کارهایمان داریم. در آن صورت همه‌چیز را برنامه‌نویسی‌مان تعیین می‌کند. اما اکنون می‌توانیم قدمی جلوتر برویم و بپرسیم: تفاوتِ میان ذهنی که طبق برنامه‌نویسی، جایی در کامپیوتری اجرا می‌شود و ذهنی که طبق قوانین بیولوژیکی مغز عمل می‌کند چیست؟ گای اراده آزاد ندارد چراکه افکار و اعمالش نتیجهٔ عملیات الکترونیکی کامپیوتری است که هیچ کنترلی بر آن ندارد؛ اما افکار و اعمال ما نتیجه عملیات بیولوژیکی هستند که درون مغز خودمان در جریان‌اند که روی آن هم هیچ کنترلی نداریم. پس به نظر می‌رسد فرقی نکند در شبیه‌سازی کامپیوتری باشیم یا در دنیای واقعی. درهرصورت، اراده آزاد نداریم. با این حال ممکن است هنوز جای امیدواری برای گای و ما باقی مانده باشد. عده‌ای (که به اختیارگرایان معروف‌اند) فکر می‌کنند که شاید برنامه‌نویسی گای و عصب‌شناسی ما صرفاً پارامترهای مشخصی وضع می‌کنند که در دامنه آنها اعمال آزادانه همچنان به‌نوعی ممکن باشد و عده دیگری (که به سازگارگرایان معروف‌اند) می‌گویند شاید اراده آزاد وابسته به این نیست که بتوانیم کاری غیر از آنچه انجام می‌دهیم انجام دهیم.

داریوش یاری مطرح کرد؛

مخاطب را با قصه‌های «بزن و بکوب» و «بگیر و ببند» تربیت کرده‌ایم

داریوش یاری کارگردان سریال «در کنار پروانه ها» که مهمان تلفنی برنامه «سریالیست» بود در گفتگو با پدارم کریمی درباره انتقادها درباره شباهت این سریال با سریال «روزی روزگاری» گفت: اگر بین سریال «در کنارپروانه ها » با مضمونی که دارد شباهتی با سریال «روزی روزگاری» حس شده است اتفاقا این مایه افتخار و مباهات برای من و همه عوامل فیلم و حتی تهیه کننده است که فیلمی با این عدد و رقم و در این اشل و این فضا با کاری در فضای الف ویژه مقایسه می شود.

وی افزود: رابطه ای که بین مرحوم شکیبایی و ژاله علو در روزی روزگاری بود رابطه ای است که در سلسه جوانمردی در ایران خیلی وجود داشته است و در قصه های زیادی دیده شده است. اگر این مشابهت را حس می کنید به نظرم به دلیل سریال «روزی روزگاری» نیست برای این است که این نوع قصه ها مربوط به سلسله جوانمردی در ایران است. عیارانی که در موقعیت های مختلف تصمیم به تغییر و تحول گرفتند و تصمیم گرفتند به گونه دیگری زندگی کنند. این رابطه مرید و مرادی است که در ادبیات و عرفان ما بسیار زیاد وجود دارد. یاری تاکید کرد: خوشحالم سریالی مثل «روزی روزگاری» ساخته می شود که دیگر رابطه شمس و مولانا را که رابطه خیلی مهمی است، مثال نمی زنند. نمی گویند رابطه ۲ کاراکتر سریال شبیه رابطه شمس و مولانا، یا شبیه رابطه ابوسعید و استادش یا شاگردش است. می گویند شبیه رابطه خسروشکیبایی و ژاله علو در «روزی روزگاری» است. این مساله از این جهت اهمیت دارد که جریان تلویزیون اتفاقا در فضای فیلمسازی و فیلم به خوبی جای ادبیات را بین مردم پر می کند. وی خطاب به کریمی که گفت مخاطبان پایان سریال را از ابتدا می توانستند حدس بزنند، گفت: تماشاگر از ابتدای سریال می تواند پایان را حدس بزند، چون این سریال حادثه محور نیست. اتفاقا شما با تعریف اشتباه و غلطی جلو می روید. این سریال شخصیت محور است و جریانش سفر قهرمانی است. در این مدل کارها حادثه و اتفاقات برای ما اصلا مهم نیست. اتفاقا پیش بینی می کنیم و حدس می زنیم. جریانی از زندگی است که به شیوه نو تجربه می شود و این تجربه است که شما را به آرامش می رساند و این تجربه است که باید به جذب مخاطب برسد. پایان سریال پایان موفقی است. آرامشی که رهی در پایان سریال به آن می رسد مخاطب را هم به آرامش می رساند. قرار نیست معمایی را کشف کند. این نوع کارها، کارهای سخت و مشکلی است؛ هم تولید و هم دیدنش. مخصوصا که در تلویزیون مخاطب را تربیت کرده ایم قصه های «بزن و بکوب» و «بگیرو ببند» را ببیند. این کار ذاتش سفر قهرمانی است. در این دست کارها تجربه کاراکتر اصلی از زندگی مهم است.وی در پایان درباره نشان دادن روند اهدای عضو در سریال و انتقادها در این خصوص توضیح داد: نویسنده های کار، تحقیقات مفصلی را انجام داده بودند و پژوهش و تحقیقاتی که داشتند تلاش کردند در روند کار موثر باشد. به ما می گفتند اینطور نیست که شما فکر کنید اگر قلبی از یک انسان مومن به انسانی که دین دار و مقید نیست منتقل شود، تاثیری نمی گذارد. با این حال ما اساسا در سریال به این سمت نرفتیم. آنچه که در این سریال می بینید مسائلی است که گروه نویسندگان پژوهش کرده اند. بهروز مفید به شدت در این حوزه ریزبین و پیگیر بود که نکند دوستان گرفتار خبط یا اشتباهی شده باشند.

داوری یک فیلمساز ایرانی در چهاردهمین جشنواره جیپور هندوستان

حسن نجم‌آبادی فیلمساز ایرانی به عنوان یکی از داوران چهاردهمین جشنواره بین‌المللی جیپور هندوستان انتخاب و معرفی شد.

به گزارش امتیاز؛ حسن نجم‌آبادی نویسنده و فیلمساز ایرانی به عنوان یکی از داوران اصلی چهاردهمین جشنواره بین‌المللی «جیپور» هندوستان انتخاب شد.

حسن نجم‌آبادی نویسنده و کارگردان فیلم کوتاه است که در کارنامه حرفه‌ای خود ساخت فیلم‌های «صلح»، «سیم مس»، «مورچه»، «۷۷ سال تنهایی»، «فصل قرمز»، «بسوی رنگین کمان»، «فصل سفید» و «آپارات» را دارد و در عرصه بین‌المللی حضور چشمگیری داشته و توانسته است جوایزی کسب کند. وی همچنین در سال ۲۰۱۹ نیز داور چهاردهمین جشنواره جیپور هندوستان بود. حسن نجم آبادی پیش از این در سال ۲۰۲۰ عضو هیات انتخاب پانزدهمین جشنواره قبرس، چهاردهمین جشنواره Red Rock آمریکا، یازدهمین جشنواره Bridges یونان بوده است. او همچنین در سال ۲۰۲۱ از داوران هفتمین جشنواره Black Bird آمریکا بود. جشنواره بین‌المللی فیلم جیپور که در ژانویه ۲۰۰۹ راه اندازی شده است هر ساله بیش از ۲۲۰۰ فیلم دریافتی دارد که در بخش‌های مختلف خود ۲۵۰ فیلم از سراسر جهان را به نمایش می‌گذارد. این جشنواره خیلی سریع توانست خود را در رده مهمترین جشنواره‌های هندوستان قرار دهد. هدف از برگزاری این جشنواره، ارتقای فیلمسازان جدید، تبادل دانش، اطلاعات، ایده‌ها و فرهنگ بین هندوستان و سایر کشورها در زمینه اخلاق اجتماعی و فرهنگی آنها است. JIFF همچنین دوستی و همکاری بین مردم جهان را از طریق فیلم و مستند ارتقا می‌دهد. در چهاردهمین جشنواره بین‌المللی جیپور هندوستان، فیلم‌های کوتاه و بلند در حوزه‌های داستانی، مستند و انیمیشن مورد ارزیابی قرار گرفته است. چهاردهمین «جشنواره فیلم جیپور هندوستان» ۷ تا ۱۱ ژانویه ۲۰۲۲ مصادف با ۱۷ تا ۲۱ دی ماه ۱۴۰۰ در شهر جیپور هندوستان برگزار می‌شود.

نوبت اول

فراخوان آگهی ارزیابی کیفی (۴۸-۰۰)
(تهیه مصالح و اجرای ورودی ۳۰ ایستگاه صنعتی گاز در سطح استان)

شرکت ملی گاز ایران - شرکت گاز استان کرمان (سهامی خاص)

شرکت گاز استان کرمان در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه (تهیه مصالح و اجرای ورودی ۳۰ ایستگاه صنعتی گاز در سطح استان) به شماره ۲۰۰۰۰۹۳۱۶۴۰۰۰۰۸۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد لازم است متقاضه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۰۰/۰۷/۲۵ می باشد.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به متقاضه گران ارسال خواهد شد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: ۰۰/۰۸/۰۳
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ۰۰/۰۸/۱۷
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار:
شرکت گاز استان کرمان واقع در بلوار ۲۲ بهمن - حد فاصل سه راه ادیب با چهار راه شعبانیه شماره تماس: ۳۱۳۲۶۰۰۰-۰۳۴ شماره فکس: ۳۳۲۳۹۶۶۱-۰۳۴
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت نجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدت زمان اجرا(روز)	۵۴۰	تاریخ چاپ نوبت اول	۰۰/۰۷/۲۵	کد فراخوان	۲۰۰۰۰۹۳۱۶۴